

راهکار مقابله با چالش تحدید نسل با تأکید بر اندیشه قرآنی آیت الله جوادی آملی

فاطمه کاویانی^۱

چکیده

از آنجایی که دخالت مستقیم در باروری برای دولت ها، سازمانهای بهداشتی و دستاندرکاران مسائل جمعیت برای کنترل رشد جمعیت متناسب با منابع و امکانات آن جامعه امکان پذیر نیست، شناخت علمی سازوکارهای مؤثر بر باروری برای کنترل غیرمستقیم نرخ باروری و رشد جمعیت بسیار حائز اهمیت است.

در این مقاله به شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش نرخ باروری در ایران در دوره زمانی ۱۳۶۵-۱۳۹۰ از دیدگاه علم اقتصاد پرداخته شده است و با وارد کردن کمیت و کیفیت فرزندان در تئوری اقتصادی رفتار مصرفکننده، دلایل کاهش نرخ باروری بررسی شده است. نتایج تحقیق، افزایش در هزینه های زندگی و همچنین افزایش در هزینه فرصت والدین برای بزرگ کردن فرزندان را نشان میدهد. این در حالی است که هرچند افزایش در بودجه خانوار هم در دوره زمانی تحقیق رخ داده است اما متوسط افزایش سالانه بودجه خانوار بسیار کمتر از متوسط افزایش در هزینه های سرانه خانوار و هزینه فرصت والدین برای بزرگ کردن و تربیت فرزندان است. این امر موجب شده است خانواده ها برای حفظ تعادل بودجه از تعداد فرزندان خود بکاهند. یکی از محوری ترین مباحث قرآنی، بحث ابتلاء و امتحان در قرآن است که اطلاع و آگاهی از معنا و فلسفه آن و راه های برون رفت از آن، تاثیر غیر قابل انکاری در سعادت بشر دارد. این نوشتار پس از مفهوم شناسی واژه های، ابتلاء، فتنه و امتحان، به این نکته می پردازد که فلسفه آزمایش الهی به تکامل رسیدن انسان، رحمت الهی و برگشت انسان به سوی خداست و راهکارهای برون رفت موفقیت آمیز از آزمایش، صبر، تقوا، تسلیم در برابر خدا و ... می باشد.

۱ دانش آموخته سطح ۲، کد طلبگی: ۹۶۱۲۲۰۸۹۷۱، مرکز آموزش های غیرحضوری حوزه علمیه خواهران، kaviani.f.vv@gmail.com

انسان می تواند در برابر انواع امتحان ها دو نوع عکس العمل داشته باشد هم میتواند نسبت به آن کفران باشد و هم میتواند سپاسگذار. و هم چنین در یک آزمایش هم باید مجهولی باشد و تناسبی بین نوع بلا و آزمایش شونده وجود داشته باشد. امتحان و آزمایش در آیات متعددی از آن سخن به میان آمده است و از زوایای مختلفی به آن نگریسته شده است، که برای زندگی ضروری است و بدون آزمایش، جامعه و افراد پیشرفت و تکامل نخواهند یافت. به همین دلیل هیچ کسی از آزمایش الهی مستثنی نیست، حتی مقرب ترین افراد نزد خداوند آزمایش سخت تری برخوردارند. قرآن به خاطر این سنت همگانی و عمومی، راهکار برون رفت پیروزمندانه ای را ذکر نموده که عبارت است از صبر و تسلیم و خویشتن دار...

کلید واژه: نرخ باروری، هزینه سرانه خانوار، بودجه خانوار، رشد جمعیت

مقدمه

خانواده یکی از قدیمیترین و در عین حال مهمترین گروه ها در جوامع مختلف است که هسته اصلی حیات اجتماعی جوامع را تشکیل میدهد. انسانها جامعه پذیری و چگونگی زندگی اجتماعی را در درون خانواده می آموزند. از دیگر کارکردهای خانواده مراقبت از سالمندان و کودکان، ایجاد آرامش روحی و روانی برای اعضا و باروری و تولید نسل است. نتایج نشان داد فرزندآوری پس از شروع زندگی مشترک مورد مذاکره زوجین قرار می گیرد. اطرافیان معمولاً تلاش میکنند در تصمیمات زوجین مداخله کنند، لکن این تلاشها کماتر است. دغدغه های فرزندمحور (به ویژه تربیتی) و والدمحور (اقتصادی، رفاهی و محدودیت زایی) موجب کم فرزند و تأخیر در فرزندآوری می شود. پارهای زمینه های ذهنی و عینی از جمله وجه ارزشی یافتن کم فرزند و تمهیدات نهادی مشوق کم فرزند موجب ترغیب زوج ها به کم فرزند شده است. مشارکت کنندگان در مورد اثربخشی مشوق های رسمی تردید داشتند و از برنامه ریزی مبتنی بر شرایط شخصی برای فرزندآوری دفاع می کردند. از میان مزایای فرزندآوری به خصلت معنابخشی و مزایای روانی و ابزاری فرزندان (از جمله رفع تنهایی) بهویژه در سنین کهنسالی اشاره شد. مهمترین معایب فرزندآوری در میان زنان مورد مطالعه محدودیت تعاملات و محدودیت پیگیری رشد شخصی بود.

مفهوم شناسی

تحدید در لغت

حد و کرانه چیزی را پیدا کردن، حد و اندازه قرار دادن، حد و اندازه معین کردن برای چیزی. حدود زمینی را معین کردن (عمید، ۱۳۹۳، ص. ۳۴)

نسل در لغت

ذریه، نسل، دودمان، فرزند، انسال جمع، پشت بر پشت

(اسم) ۱ - زاده فرزند. ۲ - ذریه دودمان مسعودکس فرستاد و مال خواست ندادند و گفتند: مال بکسان خود میدهیم چه مانیزان نسل و نژاد پادشاهیم. ۳ - (مصدر) زادن تولید کردن : چون گوهرنامی نتوانست که بشخص باقی بود...

پس محتاج گشت به نسل و تولید. ۴ - نوع از گیاه یا جانور: سرمای امسال نسل مرکبات را برانداخت. درده ماگاو
میری افتاده نسل گاو را از میان برد. ۵ - دوره زندگانی توام با فعالیت مجموعه افرادی که سنشان نزدیک
بیکدیگر است. یانسل ادهم شرابی که از انگور سیاه تهیه کرده باشند (معین، ۱۴۰۰، ص. ۱۳۵۸).

اقتصاد در اصطلاح

اقتصاد در اصطلاح علم اقتصاد به عنوان دانش بررسی رویدادهای اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف به
کار می رود. (حسن آقا نظری، بی تا، ص. ۵۳۹)

ارسطو: علم اقتصاد یعنی مدیریت خانه.

آدام اسمیت: اقتصاد علم بررسی ماهیت علل ثروت ملل است.

استوارت میل: اقتصاد عبارت است از بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع (قدیر
لویس، ۱۳۹۹).

بنابراین، علم اقتصاد، دانشی است که به تخصیص بهینه کالاها و فرآورده‌ها می پردازد؛ علمی که به تشریح
حیات اقتصادی و پدیده‌های آن و ارتباطشان با عوامل کلی آنها توجه دارد.

مفهوم ازدواج

چنان که برخی از کشورها به جهت اهمیت ندادن به خانواده به جامعه ای عصبانی و لجام گسیخته بدل شده
اند. آیه مورد بحث ضمن اشاره به این مهم، می فرماید که خدا از حقیقت شما - نه از چیز دیگر - برایتان
همسرانی قرار داد: «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا».

ازدواج، تنها اجتماع مذکر و مؤنث نیست، چون این کار در حیوانات نیز هست، بلکه امری ملکوتی و
مایه استحکام پایه های خانواده است. اگر کسی با نگاه دینی و ملکوتی به ازدواج بنگرد، آن را امری مقدس و
سنتی نیکو می یابد: «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی» که حافظ نیمی از دین اوست: «من
تزوّج فقد أحرز نصف دینه».

جمله « و اللهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا » نشان می دهد همسر انسان از حقیقت خود اوست؛ نه بیگانه ، پس هیچ یک بر دیگری سربار نیستند ، بلکه مکمل یکدیگرند .

گفتنی است:

۱. فعل « جَعَلَ » اگر به معنای « خَلَقَ » باشد یک مفعولی و چنانچه به معنای « صَبَّرَ » باشد دو مفعولی است؛ مانند « وَ جَعَلْنَا أَلِيلَ لَبَاسًا » و در آیه مورد بحث چون به معنای آفریدن است ، یک مفعولی است

۲. قرآن کریم مسئول خانواده را مرد می داند ، ازاین رو او را مخاطب قرار می دهد و در مدیریت مرد می فرماید : « وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ » ولی در حقوق متقابل ، هر دو را ذی حق می داند : « وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ » و در آیه مورد بحث نیز خطاب مذکر « لَكُمْ » و « أَنْفُسِكُمْ » بدان جهت است که مدیریت خانواده ، تهیه مسکن و هزینه های زندگی با مرد (مسئول مستقیم خانواده) است : « أَلرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ »

۳. تقدیم « لَكُمْ » بر « مِنْ أَنْفُسِكُمْ » و تکرار آن در جمله بعدی و اصرار بر آوردن اسم ظاهر به جای ضمیر با فاصله کم : « وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ » نشان مسئولیت و مدیریت مرد ، نیز اهمیت ازدواج و اصیل بودن خانواده است .

۴. خانه و مسکن ، صرفاً جایی برای استراحت نیست که انسان کارهایش را بیرون انجام دهد و شب برای استراحت به آنجا برود - همانند آشیانه ای که حیوانات دارند - بلکه جای آرامش یافتن است و زمامدار اصلی این آرامش ، زن است ، ازاین رو فرمود : « وَ مِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا » نه « لتسكنوا فی البیوت » هرچند تهیه مسکن ظاهری و هزینه آن ، چنان که بیان شد ، به عهده مرد است (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ص ۵).

نعمت فرزندان و نوه ها

از بیان نعمت ازدواج و پی ریزی اساس خانواده ، به برخی از ثمرات آن پرداخته و نعمت فرزندان و نوه ها را گوشزد می کند : « وَ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً » . خدا به انسان فرزند و نوه داده ، تا ضمن پروراندن آن ها عواطف و احساسات او تأمین شود و آنان در خدمتگزاری به وی آماده باشند .

ذکر « حَفَدَةً » تکرار نیست ، هرچند مراد از « بَنِينَ » مطلق فرزندان ، اعم از دختر و پسر و فرزند و نوه باشند ، زیرا « حافد » اعم از فرزند و نوه است؛ نه خصوص نوه ، چون حافد به کسی می گویند که با آمادگی کامل برای خدمت و احسان به دیگری می شتابد؛ فرزند یا نوه نیز هرگاه بفهمد پدر و مادر یا پدربزرگ و مادربزرگ ، خواسته ای دارند ، پیش از دستور آن ها در خدمتگزاری شتاب می کند . در مبحث مفردات نیز گذشت که به دیده برخی واژه پژوهان و مفسران ، در دعای قنوت ، به همین معنا استعمال شده است : « وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَ نَحْفَدُ » ؛ یعنی خدایا! ما حافد تویم؛ هرگاه بفهمیم که چیزی می خواهی ، به سرعت در پی آن می رویم ، تا این معنا با آیات « يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ » و « سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ » و « فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ » نیز هماهنگ است.

براین اساس ، در فرهنگ دینی ، فرزندان و نوه ها نعمت الهی و محصول حفظ اصول خانواده اند ، ازاین رو قرآن کریم پس از بیان ازدواج و اهمیت حفظ اصول خانواده ، به جامعه اسلامی و پدران و مادران می فرماید که در ازدواج به فکر فرزند صالح باشید : « نَسَاؤُكُمْ حَرْتُ لَكُمْ فَأَتُوا حَرَّتَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِمُوا لَأَنْفُسِكُمْ » .

گفتنی است که از ظاهر جمله « وَ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً » برمی آید که لازم است فرزندان و نوه ها از شما و همسران باشند؛ نه از دیگری ، زیرا اگر بچه از شوهر قبلی همسر یا پرورشگاه باشد ، بچه دیگری است؛ نه بچه شما ، حال آنکه آیه مورد بحث می فرماید خدا برای شما از همسران فرزندان و نوه قرار داده است : « وَ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ » . هرگز فرزند بهزیستی و پرورشگاه و مانند آن ، فرزند نَسَبی نخواهد بود ، چنان که احکام فقهی فرزند خودی را ندارد و برای دستیابی به این نعمت الهی ، توفیق مناسب لازم است ، بنابراین اسلام می خواهد با فرزندان و نوه ها هم عواطف و احساسات بشر تأمین شوند؛ هم مشکلاتشان به دست آنان حل گردد و این امر ، با درست کردن دارالایتام و خانه سالمندان تأمین نمی شود ، هرچند سرپرستی ایتام و پرورش آن هاتأمین نیازهای زندگی و تحصیلی آنان ، همچنین نگهداری و مراقبت از سالمندان ، فضیلت مهم دینی است (جوادی املی . ۱۳۹۹ ، ص. ۵۴۷).

نسل هدایت پذیر

گرچه سرگردانی چهل ساله بنی اسرائیل در بیابان سینا، کیفر سرکشی و تمرّد آنان در برابر فرمان « ادخلوا الأرض المقدّسه التي كتب الله لكم » بود که گفته بودند: « وإنا لن ندخلها حتى يخرجوا منها... »، لیکن مجازات های خداوند در عین حال که عنوان تعقیب و تنبیه دارد، از مصالح و ملاحظات تربیتی نیز برخوردار است. از این رو سرگردانی چهل ساله بنی اسرائیل ممکن است دارای چنین حکمتی نیز باشد که نسل قبلی منقرض شود؛ نسلی که عقاید وثنیّت و خوی بت پرستی در دل هایشان اشراب شده بود: « أشربوا في قلوبهم العجل » تا حدّی که پس از نجات از چنگال فرعون و شکافته شدن دریا و رهایی از امواج آن، از حضرت موسی درخواست قرار دادن خدایی چون خدایان بت پرستان کردند: « يا موسى اجعل لنا إلهاً كما لهم آلهة »، نسلی که استکبار و استضعاف فرعونی به گونه ای غیرت و مردانگی را از آنان ربوده بود که در برابر پیشنهاد حضرت موسی، یعنی ورود شجاعانه به قریه آن هم پس از آن که دو تن از یاران باوفا و باایمان آن حضرت (یوشع و کالیب) راه غلبه و پیروزی را به آنان نشان دادند، با کمال جسارت و بی ادبی گفتند: « يا موسى إنا لن ندخلها أبداً ماداموا فيها فاذهب أنت وربك فقاتلا إنا هاهنا قاعدون »؛ یعنی هم با آوردن دو کلمه « لن » و « أبداً » مخالفت صریح و جسورانه خود را با درخواست آن حضرت (علیه السلام) ابراز داشتند و هم با این جمله که «تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما در این جا نشسته ایم» در واقع حضرت موسی و وعده های الهی او را به تمسخر گرفتند.

این نسل که از لحاظ اعتقادی، الیف شعار مشؤوم بت پرستی گردید و از جهت اجتماعی و حیثیّت ملی انیس خواری و ذلّت گشت و گروهی از آنان به کشتن انبیای خدا آلوده شدند، و بالاخره نسلی که نه مغز و قلب سالمی داشت و نه علاج آن ممکن بود، باید از بین برود و نسل جدیدی با عقاید صحیح و مکارم بلند چون شهامت و مردانگی پرورش یابد تا لیاقت سرزمین مقدس و مبارکی چون فلسطین را پیدا کند.

بر همین اساس، بنی اسرائیل چهل سال آواره بیابان شدند تا نسل هدایت ناپذیر پیشین منقرض شد و نسلی جدید و انقلابی از فرزندان آنان به تدریج تربیت شدند، به طوری که توانستند روی پای خویش بایستند و اساس حکومت الهی را برای پیامبران بعدی پی ریزی کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ص. ۶۲۲).

افزایش نگرانی های تربیتی

نگرانی روز افزون پدران و مادران از موفقیت در تربیت فرزندان خویش، به چند عامل باز می‌گردد.

اول: مفاسد اجتماعی افزایش یافته و احساس می‌شود فرزندان در در فضاهای ارتباطی جدید آسیب پذیر شده اند.

دوم: امر تربیت به دنبال پیچیدگی جوامع جدید، پیچیده شده و در نتیجه، پدران و مادران باید از مهارت کافی برای شناخت پدیده ها و رویارویی با مشکلات جدید و نیازمندی های نوپدید در تربیت فرزندان برخوردار باشند.

سوم: پیدایش مرجعیت های جدید تربیتی مانند نظام آموزشی مدرن و رسانه ها که به کنار زدن پدران و مادران و افزایش شکاف نسلی می انجامد، توانمندی تربیتی پدران و مادران را کاهش داده است.

امروزه بسیاری از پدران و مادران به این نتیجه رسیده اند که برای تربیت درست فرزندان خویش، باید جامعه ی رزم بر تن کنند و در چند آوردگاه، در برابر رسانه ها و فضای مجازی و حتی مدرسه، ایستادگی کنند و در این، راه هزینه و باری سنگین را بر دوش کشند (زیبایی نژاد، ۱۳۹۳).

دغدغه های والد‌محور شامل نگرانی هایی است که مستقیماً والدین را تحت تأثیر قرار می دهد. از جمله:

- احساس ناامنی شغلی
- دغدغه های مالی و رفاهی
- محدودیت زایی شغلی و تحصیلی
- ناکافی بودن تأمین اجتماعی
- فقدان آمادگی شخصی

پاره ای از مشارکت کنندگان به علت فقدان مسکن مستقل یا شخصی، درآمد ناکافی و بی ثباتی شغلی همسرانشان ترجیح می دادند فرزند کمتری داشته باشند یا فرزندآوری را به تأخیر انداخته بودند تا مدیریت امور خانواده با دشواری کمتری مواجه باشد. آنها خواهان حل مشکل بیکاری و مسکن، کاهش هزینه های زندگی، ضمانت هزینه های فرزندان، افزایش مرخصی زایمان، مرخصی زایمان به پدران، تسهیلات مراقبت از کودک و مادر بودند. همچنین تصور میکردند در صورت ادامه تحصیل زن یا مرد، فرزند تازه می تواند آنها را از تحصیل بازدارد یا ادامه تحصیل را با دشواری مواجه کند. یکی از دغدغه های مهم زنان این بود که فرزندآوری می تواند مانع از

حفظ شغل یا پیشرفت شغلی مادر شود (زمینه های کم فرزند طلبی و تاخیر در فرزند آوری، ندارضوی زاده و همکاران).

خدای سبحان، نسبت به والدین، امر به احسان می کند، بلکه عقوق و عصیان آنان را حرام می داند ولی برای همسران، تنها در حکمی کلی رعایت حقوق آنان را لازم دانسته است: «وعاشروهنّ بالمعروف» و برای فرزندان نیز تنها به رعایت مسائل مالی آنان سفارش کرده، می گوید: «یوصیکم الله فی أولادکم للذکر مثل حظّ الأنثیین»، بلکه فتنه بودن و ناپایدار بودن آنان را گوشزد می کند: «أنما أموالکم وأولادکم فتنه»، «المال والبنون زینة الحیاء الدنیا والباقیات الصالحات...» و در هیچ یک از این دو مورد (همسر و فرزندان) تعبیر به وجوب احسان و نیز حرمت عقوق ندارد و در پاره ای از موارد به دشمن بودن بعضی از آنها اشاره می کند: «یا ایها الذین امنوا إنّ من أزواجکم وأولادکم عدوّاً لکم فاحذروهم...» سرّ این تفاوت آن است که احسان به والدین نیاز به سفارش دارد؛ زیرا پدر و مادر در معرض فراموشی فرزندان قرار دارند و فرزند، هنگامی که مستقل می شود و خانواده تشکیل می دهد، ارتباط عاطفی او نسبت به والدین کاهش می یابد و توجه کمتری را در حق آنان مبذول می دارد و آنان را تنها به گذشته خود مربوط می داند؛ به ویژه آنگاه که والدین نشاط و فروغ خود را از دست بدهند و سرپرستی و نگهداری آنان رنج آور باشد؛ در حالی که فرزند بالغ نسبت به همسر و فرزندان خود احساس دیگری دارد: «زین للناس حبّ الشهوات من النساء والبنین...»، به ویژه فرزندان خویش که چون آنها را به آینده خود مربوط می داند، اموال خود را برای آنان ذخیره می کند.

غرض آن که، گرایش به همسر و فرزند، به اندازه نصاب لازم در طبیعت آدمی وجود دارد و نیازمند سفارش نیست، بلکه چون این گرایش غالباً از حدّ نصاب لازم نیز می گذرد، قرآن کریم در پی مهار کردن آن است و می فرماید: بدانید که اولاد فتنه هستند نه مایه فخر، بلکه چنان که گذشت، از بعضی از آنان به «دشمن» تعبیر می کند و فرمان حذر از آنان می دهد: «إنّ من أزواجکم وأولادکم عدوّاً لکم فاحذروهم» و در موردی دیگر می گوید: «لا تلهکم أموالکم ولا أولادکم عن ذکر الله»

نیز به نحو کلی به تربیت فرزندان اشاره می کند و می فرماید: « وقل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً » زیرا این تعبیر در عین حال که به فرزندان فرماندها درباره والدین می دهد، اشاره می کند که اگر می خواهید فرزندان خوب و دعاگویی داشته باشید، باید در تربیت آنها بکوشید. به نحو جزئی و مصداقی نیز، بعضی از نکات تربیتی را به والدین گوشزد می کند: « یا ایّها الذّین امنوا لیستأذنکم الذّین ملکت ایمانکم والذّین لم یبلغوا الحلم منکم ثلاث مرّات من قبل صلاه الفجر... » تفصیل این مطلب در تفسیر سوره نور خواهد آمد. إن شاء الله (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ص. ۳۷۷).

نظریه های مرتبط با باروری

برای تبیین تغییرات باروری، متخصصان نظریه های مختلفی ارائه کرده اند. از نخستین تلاش ها می توان به صورت بندی نظریه گذار جمعیتی اشاره کرد. بر اساس این نظریه به موازات صنعتی شدن، سطح زندگی و شرایط بهداشت بهبود یافته و در نتیجه سطوح مرگ و میر کاهش یافته است. کاهش باروری، تحت تأثیر این تغییرات، اندکی پس از کاهش مرگ و میر رخ داده است که این کاهش مربوط به تغییر در شیوه زندگی اجتماعی، شهرنشینی و صنعتی شدن می باشد. این عوامل در ابتدا باعث کاهش مرگ و میر می شوند که این امر به نوبه خود از طریق افزایش احتمال بقای کودکان، باعث کاهش باروری می گردد. بر این اساس شهرنشینی و صنعتی شدن باعث ایجاد سبکی از زندگی می شود که پرورش بچه ها را هزینه آور می سازد و به تدریج ارزش های مربوط به داشتن فرزندان فراوان، از بین می رود. شرط اساسی این نظریه این است که باروری پایین، نتیجه مستقیم نوسازی و صنعتی شدن است.

در یک تقسیم بندی کلی، نظریات مربوط به باروری را میتوان در ۲ دسته جای داد: دیدگاه جامعه شناسان و اقتصاددانانی که توسعه اقتصادی- اجتماعی را مؤثرترین عامل در کاهش باروری دانسته و آن را شرط کافی برای کاهش باروری میدانند و دیدگاه کسانی که بر برنامه های تنظیم خانواده به عنوان عاملی مهم در کاهش باروری می نگرند و معتقدند که سطوحی از باروری وجود دارد که جز در صورت استفاده از وسایل جلوگیری و اشاعه آنها کاهش نمی یابد.

نظریه اقتصاد در امر باروری

نظریه های اقتصادی فراوانی در زمینه تعیین میزان باروری ارائه شده که عمدتاً بر مفاهیمی مانند جنبه کالایی بودن فرزند، بهره برداری از فرزندان، هزینه فرزندان و هزینه فرصت های ازدسترفته مبتنی است. در یک نظام اقتصادگرایانه فرزند نوع خاصی از کالا تلقی میشود که هزینه های خاص برای تولید و نگهداری و همچنین سود و فایده خاصی را به همراه دارد. فواید اقتصادی فرزندان شامل مشارکت آنان در ارتقای ظرفیت تولیدی خانواده پس از رشد کافی و تا حدی تضمین مراقبت از والدین در سنین پیری آنهاست. هزینه های اقتصادی شامل مخارج، مراقبت های پزشکی مادر در دوره حاملگی و رفع نیازهای فرزندان از نظر تغذیه، مسکن، مراقبت های پزشکی و آموزشی است. هزینه های غیراقتصادی شامل ازدست دادن اوقات فراغت و ازدست دادن تمام مواهب مفرحی است که پرداختن به تربیت فرزند، مانع از آن می شود (محسن نیازی، ۱۳۹۸).

مایکل تودارو اندیشمند دیگری است که به تبیین اقتصادی باروری پرداخته است. نظریه او مبتنی بر این فرض است که در جوامع توسعه یافته کودک از طرف والدین خود نوعی کالای سرمایه ای و در جوامع درحال توسعه نوعی کالای مصرفی تلقی می شود.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در خطبه ای مسئله فقر و غنا را تحلیل می کند و به بررسی شیوه زندگی انبیا (علیهم السلام) و ساده زیستی آنان، به ویژه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم می پردازد: فلینظر ناظرٌ بعقله؛ اكرم الله محمداً بذلک أم أهانه؟ فإن قال أهانه، فقد کذب - و الله العظیم - بالإفک العظیم، و إن قال أكرمه، فلیعلم أن الله قد أهان غیره حیث بسط الدنيا له؛ پس از آنکه روشن شد بسیاری از پیامبران به ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با وضع بسیار ساده زندگی می کردند، اکنون باید هر بیننده ای با عقل و درایت خویش بیندیشد؛ آیا خداوند بزرگ که به پیامبرش مال فراوان نداده به او اهانت کرده یا او را گرامی داشته است - یعنی آیا داشتن مال، کمال است و نداشتن آن، نقص - اگر کسی چنین پندارد و بگوید خداوند به آن حضرت اهانت و او را از کمال محروم کرده، به خدای بزرگ سوگند که دروغی بزرگ گفته است، زیرا لازم می آید که بندگان کامل خدا بدین لحاظ ناقص باشند، پس داشتن مال کمال نیست؛ و اگر بر اثر نداشتن مال، او را اکرام کرده باشد، به کسانی که مال عطا کرده و بساط زندگی آنان گسترده شده، اهانت کرده است، بنابراین باید پیرو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود و از سیره اش درس ساده زیستن فراگرفت. حال اگر چنین فرهنگی بر جامعه اسلامی حاکم باشد،

کسی ارزش ها را در دارایی ها نمی بیند و به ثروتمندان با چشم عظمت نمی نگرد. آری آنان نیز از جهت مسلمان بودنشان گرامی اند؛ ولی نباید توانگر بودنشان ملاک ارج و احترام گذاشتن به آن ها باشند (دستی، نهج البلاغه، ص. ۳۱).

تجلیل قرآن کریم بر جایگاه مادران

قرآن کریم در آیات گوناگونی مقام مادران را بزرگ شمرده است؛ مانند «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» در این آیه، پس از گرامیداشت مقام پدر و مادر، جداگانه از رنج مادر یاد می کند؛ ولی از پدر و وظایف او مانند تأمین هزینه های زندگی خانواده سخنی نیست. در روایات نیز اهتمام خاصی به سهم مادر و تجلیل از مقام او شده است؛ لیکن چنین تعبیری درباره پدر گفته نشده است. رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بهشت را زیر پای مادران دانسته: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ» و نیز مادری که در حال نفاس از دنیا می رود، شهید نامیده شده است

دلیل اهتمام کتاب خدا و عترت اطهار (علیهم السلام) به مادران، عظمت وظیفه حفظ خانه و تربیت فرزندان است، زیرا تلاشی شدن اساس خانواده فساد فراوانی به بار می آورد، چنان که بخش مهم فساد در غرب به همین جهت است، از این رو خدای سبحان به زنان فرمان می دهد که در خانه حضوری فعال داشته باشند: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ»

آموخته های کودک از سن هفت سالگی به بعد، مرهون مطالبی است که در هفت سال نخست در مکتب مادر فرا گرفته است، بنابراین خط مشی مادر در آینده فرزند سهم اساسی دارد و در این میان، اعتنای مادر به دستورهای دینی از اهمیت خاصی برخوردار است. در روایت آمده است که فرزند را تا پایان یک سالگی تنبیه بدنی نکنید، زیرا گریه چهار ماهه نخست او، شهادت به وحدانیت خدا و گریه چهار ماهه دوم، شهادت به رسالت پیامبر اسلام و گریه کودک در چهار ماهه سوم، دعا برای پدر و مادر است

از مسائل مهمی که در تربیت و موفقیت کودک اثر شایانی دارد، شیر دادن با وضو همراه خواندن ذکر در حالت روبه قبله است و براساس تجارب قابل اعتماد، علمای برجسته از چنین مادرانی زاده شده اند (جوادی املی، تسنیم، ج ۱۱، ص. ۲۸۱).

رابطه ی اقتصاد و تک فرزندی

توجه آمار بدست آمده در رابطه با اقتصاد خانواده های ایرانی می توان گفت یکی از مشکلاتی که خانواده ها را به سمت عدم ازدواج و عدم تولید نسل بیشتر تحریک می کند، همین مشکل اقتصادی است. در اینجا لازم می داند به حدیثی از پیامبر که به تکثیر نسل اشاره دارد بیان نمایم: ای مردان و زنان با همدیگر ازدواج کنید و دارای نسل گردید و زیاد شوید، به راستی که من مباحثات میکنم به واسطه ی شما در مقابل امت های دیگر در روز قیامت، ولو با بچه سقط شده. حال با نگاهی عمیقانه به نظام تک فرزندی که در جامعه در حال رشد و نمو است می توان دریافت که نباید این نکته را نادیده گرفت که در ترویج نظام تک فرزندی نمی توان از نگاه اقتصادی به این پدیده غافل ماند. خانواده ها سعی می کنند با کاهش هزینه هایی، شرایط رفاهی و مناسبتر مادی را افزایش دهند. امروزه هدف اصلی والدین از داشتن فرزند، فرزندپروری است و با توجه به این که نیازهای تربیتی و پرورشی کودکان افزایش یافته است و کودک امروز شرفر در جامعه دو قسم است: طبیعی؛ غیر طبیعی (اقتصادی). در جامعه همواره افرادی بر اثر عواملی مانند سیل، زلزله، حوادث ناگوار، بیماری، کهنسالی، از کارافتادگی، تصادف و جنگ های خانمانسوز، اموال یا نان آور خود را از دست می دهند و نیازمند می شوند، پس در نظام آفرینش نمی توان فقر طبیعی را ریشه کن کرد، کنترل آن ها و کاستن از آسیب های آن ها تلاش کرد. زیرا ریشه کن کردن آن در توان انسان نیست، از این رو خدای سبحان به آن فرمان نداده است، گرچه کاستن از آسیب های آن ها، هم مقدور آدمی است و هم در برابر آن وظیفه دارد؛ ولی با فقر اقتصادی می توان مبارزه کرد؛ یعنی دفع فقر به کلی ناممکن؛ ولی رفع آن تا حدی امکانپذیر است و به آن دستور داده شده است، بنابراین می توان با تخصیص بودجه ای ویژه برای درماندگان اقتصادی، به کمک آسیب دیدگان شتافت و زندگی آنان را ترمیم کرد.

توضیح اینکه نظام اسلامی از سه راه رسمی هزینه های اداره جامعه را تأمین می کند:

۱. انفال؛ نظیر معادن، جنگل ها و... که در اختیار حکومت اسلامی است.

۲. وجوه برّیه؛ مانند خمس، زکات، کفّارات، موقوفات، صدقات. جاریه و...، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در صدر اسلام براساس « خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا » مأمورانی را برای جمع آوری

چنین وجوهی به سوی مردم می فرستاد تا آنان را به پرداخت آن ها موظف کنند. حاکم اسلامی می تواند با پشتوانه قانونی، چنین اموالی را از مردم بخواهد و در موارد لازم هزینه کند.

امروزه بخشی از وجوه برّیه، مانند کفّاراتِ مربوط به احکام قضایی را محاکم اسلامی می گیرند؛ ولی کفّاراتِ روزه، حج و خمس و زکاتِ پشتوانه اجرایی ندارند و اختیاری اند، حال آنکه در نظام اسلامی برگرفته از شریعت ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم نباید چنین روندی رایج باشد.

۳. مالیات؛ یعنی درآمد دولت از ارائه خدمات عمومی مانند راهسازی، تأمین امنیت، بهداشت و.... اگر مخارج دولت اسلامی با انفال و وجوه برّیه تأمین شود، به گرفتن مالیات نیازی نیست.

گفتنی است که مصرف وجوه برّیه تنها تأمین زندگی فقیران نیست، بلکه مصارف گوناگون و متعددی است که بارزترین آن ها «فی سبیل الله» است که همیشه هست. حکومت و حاکم اسلامی، می تواند با رعایت مصالح از وجوه برّیه هزینه های جامعه را تأمین کند؛ هزینه هایی مانند امنیت کشور، اداره ارتش و نیروهای انتظامی، مراکز علمی، فرهنگی، بهداشتی و درمانی، تألیف قلوب غیرمسلمانان، تأمین زندگی مبلغان احکام، ترویج فرهنگ اسلام و سایر مصارفی که عنوان «فی سبیل الله» بر آن ها صادق است. گذشته از آنکه برخی از عناوین یاد شده ردیف مستقل دارند یکی از مصارف وجوه برّیه، کمک به کشورهای اسلامی فقیر است، چون نظام کلی اسلام برای رفع نیازمندی های همه مسلمانان است؛ نه خصوص مسلمانان یا شیعیان کشور خاص

به هر روی، اسلام نیازمندان را از منابع مالی پیش گفته تأمین می کند؛ ولی پیش بینی این بودجه به این معنا نیست که در جامعه اسلامی باید حتماً فقیر باشد تا از این راه به آنان رسیدگی شود، بلکه می خواهد نیازمندان موجود از این وجوه تأمین شوند.

انفاق های واجب و مستحب، هم از اکتناز و ثروت اندوزی توانگران جلوگیری می کنند و هم از فقر اقتصادی تهیدستان، زیرا انفاق های واجب مرز نمی شناسند و با عناوین گوناگونی همچون خمس، زکات، کفّارات و نیز لزوم رسیدگی به امور شخص نیازمند حاصل می شود و هر کسی که از وضع مالی شخص نیازمند آگاه باشد و

قدرت مالی لازم را نیز داشته باشد، بر او و هر آن که از نیاز فقرا آگاهی دارد واجب کفایی است که فقیر را تأمین کند.

عمل به دستورهای اسلام، همچون نگرفتن و ندادن مال حرام، احتکار نکردن و به راه نینداختن بازار سیاه، گرانفروشی نکردن، مغبون نکردن دیگران، شناخت وظیفه شرعی خود و ادای حقوق شرعی خویش اعم از خمس، زکات، مالیات، کفارات و...، هرگز نمی گذارد مال کسی به اکتناز برسد و نیز فقر اقتصادی را از جامعه بر می چیند، زیرا مفهوم اکتناز تنها درباره مالی نیست که در مسیر تولید قرار نمی گیرد یا آن را انبار می کنند، بلکه خودداری از انفاق واجب نیز اکتنازآور است، چون در قرآن کریم اکتناز در مقابل انفاق فی سبیل الله قرار گرفته است: « وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ »

بر این اساس با اجرای دستورهای اسلام بنیان فقر اقتصادی فرومی ریزد، زیرا در اسلام تأمین فقیر بر افراد آگاه واجب است، هر چند فقیر کافر باشد، حتی به حیوان گرسنه یا تشنه نیز نمی توان بی اعتنا بود، چون اگر رسیدگی به او واجب هم نباشد، قطعاً ثواب دارد: قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: لكل كبد حرى (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ص. ۳۴۸).

مزایای تک فرزندی

این روزها بسیاری از زوج های جوان بر این باورند که خانواده ایده آل خانواده ای با یک فرزند است و داشتن بیش از یک فرزند در خانواده سطح کیفی تربیت کودک را کاهش می دهد. البته نباید این نکته را فراموش کرد که تک فرزندی مزایایی هم دارد از جمله والدینی که چه به تصمیم و انتخاب خود و یا هر دلیل دیگر، یک بار صاحب فرزند می شوند، می توانند با کسب آگاهی و مهارت در شیوه های تربیتی و پرورشی، فرزندی تربیت کنند که فردی توانمند و موفق شود. این فرزندان بدون خواهر و برادر و یا وجود همسالان، در میان افراد بزرگسال رشد می کنند و از این رو رفتاری مانند بزرگسالان دارند، از درک و قدرت تجزیه و تحلیل خوبی برخوردارند و افراد مسئولیت پذیری هستند، اما به چه قیمتی و چه بهایی باید این مزایا را در نظر گرفت به قیمت اینکه جامعه رو به سمت کاهش جمعیت و در نتیجه به وجود آمدن معایبی شود و ناهنجاری های زیادی را به همراه داشته باشد.

آسیب های تک فرزندی

معمولاً در این خانواده ها حکم، حکم تک فرزند است چون او فقط یکی است و پدر و مادر از نظر عاطفی به شدت به او وابسته اند، پس احساس می کنند باید همه خواسته هایش را برآورده کنند. برآورده کردن خواسته های تک فرزند در برخی موارد به اندازه ای می رسد که والدین ناخواسته برای راضی کردنش به او باج می دهند. ب برای تک فرزندها والدین، تنها خویشاوند نزدیک محسوب می شوند اما از آنجا که خواهر یا برادری ندارند در صورت فوت والدین به شدت تنها خواهند شد و اگر دوستانی صمیمی برای پر کردن خلأ عاطفی پس از فوت والدین نداشته باشند احتمال افسرده شدن آنها زیاد می شود. فرزند در دوره ای اولیه کودکی بیشتر نیازمند حضور والدین خود است. ولی در دومین دوره کودکی اش نقش همسالان بارزتر می شود و مهارت های زیادی را از آنان می آموزد. وجود خواهر یا برادر بزرگ تر نیز می تواند مهارت های لازم برای اجتماعی شدن او را فراهم کند. حال اگر فرزند تک باشد به ناچار باید در کنار بزرگسالان پرورش یابد. در نتیجه او تجربه ای از کودکی و نوجوانی خود ندارد و با بازی ها، کارها و نقش های این گروه سنی آشنا نیست و یک دفعه پرشی به دوران مسئولیت پذیری بزرگسالان خواهد داشت. وی از لحاظ روحی و روانی بسیار سریعتر رشد میکند و دنیا را از دید بزرگسالان می بیند. حضور در چنین خانواده ای که فقط شامل افراد بالغ است سبب بلوغ زودرس کودک می شود. از عوارض بلوغ زودرس این است که کودکان در مقابل استرس های زمان جوانی قرار می گیرند و نمی دانند چه باید بکنند. آن ها از نظر جسمی نشانه های بلوغ را دارند، ولی تجربه کافی ندارند.

رواباز نکات اخلاقی که اسلام به آن اهتمام خاص دارد، روابط نیکو میان اعضای خانواده است و در چندین آیه تصریح شده است که باید حقوق همه اعضا و افراد خانواده رعایت شود: «وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ». خدای سبحان بهترین بندگان خود را کسانی می داند که نزدیک ترین روابط اخلاقی را با خانواده خود دارند: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان، ۷۴). بندگان خدای رحمان کسانی هستند که اعضای خانواده خود را بیگانه از خود ندانسته بلکه همان اندازه که شخصیت خویش را در مقابل گناهان نگه می دارند، از اعضای خانواده نیز حراست می کنند.

کسی نمی تواند ادعای ایمان به خدا داشته باشد؛ ولی به عضوی از اهل خویش بی اعتنا باشد: « یَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ » (تحریم، ۶). تعلیم توحید و عقیده پاک و آموختن ادب و اخلاق به اهل خانواده جزء مهم ترین وظیفه دینی است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی این آیه نازل شد، مردی از مؤمنان نشست و شروع کرد به اشک ریختن و می گفت: من از نگهداری نفس خودم عاجزم؛ اینک مأمور شدم از زن و فرزندان خود محافظت کنم! پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله سلم) فرمود: در نگهداری اهلت همین بس است که به ایشان امر کنی آنچه را که به خودت فرمان می دهی و ایشان را بازداری از آنچه خودت را نهی می کنی.

در تفسیر این آیه امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: به خود، زن و فرزندان خیر را تعلیم دهید و آنان را ادب کنید رعایت ادب رفتار با دیگران، گرانها ترین گنجی است که منزلت و شخصیت انسان را ارتقاء بخشیده و ارزش او را بالا می برد. رابطه سالم میان اعضای خانواده بر نورانیت کانون خانواده می افزاید و هرگونه سستی و جدایی بر انحراف و ضلالت آن می افزاید (نهج البلاغه، ۱۳۶۹، ص. ۳۲۴)

تأکید اسلام بر تحکیم پیوند خانوادگی چند دلیل مهم دارد: ۱. خانواده پایه اجتماع است و تحکیم آن به استحکام جامعه می انجامد. ۲. سرچشمه روابط حسنه، عقل و اندیشه و سلامت نفس است و آنان که با منشأ حق یعنی ذات ربوبی پیوند دارند با چنین خصلتی زندگی می کنند؛ اما خاستگاه روابط سیئه، شیطان و هوای نفس است که پلیدی آن چنین اثری را ظاهر می سازد.

۳. از لوازم و توابع پیوند وثیق خانوادگی و تواصل، پیشرفت و بالندگی جامعه و از جمله آثار فترت و سستی و تدابر، پسرفت و انحطاط اجتماعی است: عَلَیْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَ التَّبَاذُلِ وَ إِیَّاکُمْ وَ التَّدَابِرِ وَ التَّقَاطُعِ

۴. دینداری نشانه هایی دارد؛ از جمله انسجام و اتحاد بر پایه فطرت توحیدیست و خروج از دین و ترک تعالیم دینی، علائم و اماره هایی دارد که کدورت و کینه میان اعضای خانواده و در پی اش چالش و نزاع میان افراد در جامعه یکی از آن هاست. اوّلی از وعده های الهی به مؤمنان است: خداوند منان وحدت را وعده کرده است: « وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا » (ال عمران، ۱۰۳) « وَ إِن هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَ حِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُون » (انبیاء،

۹۲) و دومی از وعده های شیطانی است که مسلمانان را از آن برحذر داشته است: « وَ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ بَيْنَكُمْ لِيُفَادِلُوكُمْ » (انعام، ۱۲۱)

۵. تمام صفات پسندیده از ذات ربوبی اند و تداوم حیات انسانی با پیوند به آن حقیقت، مایه نورانیت، سعادت و توسع در حیات مادی و معنوی است: « يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ » و همه اوصاف ناپسند از الهامات شیطانی اند که سبب تَقْيُض و تَضْيِيق در امور معیشت و زندگی مادی اند: « وَ مَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ » (زخرف، ۳۶) ؛ « وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ » (طه، ۱۲۴) (جوادی املی ، ۱۳۹ ، ص. ۱۱۵).

مزایای فرزند آوری بیشتر

این روزها با رواج ابزار ارتباطی و شبکه های مجازی و اجتماعی خانواده ها و اقوام دیگر نیازی به ارتباطات نزدیک با هم احساس نمی کنند و کم کم روابط با هم و حضور در کنار هم را محدود کرده و کنج عزلت گزیده اند. شرایط نامطلوب زندگی کنونی الزامی برای ارتباطات هر چه بیشتر و گسترده تر خانواده ها را ایجاد می کند تا کانون خانواده ها هر چه بیشتر گرما پیدا کند. از طرف دیگر نداشتن خواهر یا برادر برای کودکان امروز که جوانان و سرمایه های آینده کشور هستند آنها را به انسان های سرخورده و منزوی تبدیل می کند که نمی دانند چگونه می توانند خلوت زندگی خود را پر کنند ، متخصص اعصاب و روان با اشاره به اینکه انسان به طور طبیعی تمایل دارد تا ژن خود را به نسل بعد منتقل کند اذعان کرد: انسان در گذشته برای دست یافتن به این میل مجبور به داشتن تعداد زیادی فرزند بود چرا که خیلی از آنها در اثر بیماری از بین می رفتند اما امروز با پیشرفت بهداشت و درمان، مرگ و میر نوزادان کاهش یافته است.

وی در ادامه با اشاره به محاسن داشتن فرزند بیشتر افزود: ریسک طلاق در خانواده هایی که فرزند بیشتری دارند کمتر است و به ازای اضافه شدن هر فرزند به خانواده احتمال طلاق ۷ درصد کاهش می یابد. آقای فرهنگ هلاکویی روان شناس سرشناس نیز دلایل در خور توجهی درباره فرزند آوری بیشتر و نکوهش تک فرزندی بر شمرده است. هلاکویی بر این باور است که اگر با دقت به عملکرد جوانانی که تنها فرزند خانواده خود بوده اند بنگریم درمی یابیم که رفتار متعادل در بین این افراد کمتر به چشم می خورد و به بیان دیگر نحوه برخورد این افراد

یا در حد کودکی ۵ ساله یا فردی ۶۵ ساله است به طوری که این گونه افراد می‌توانند یا فرمانبردار باشند یا فرمانروا. وی همچنین تصریح کرد: هزینه، وقت و انرژی بزرگ کردن دو فرزند کمتر از یک فرزند است. به عنوان مثال تجسم کنید که شما فقط یک فرزند دارید، در نتیجه وقتی شما از سر کار به منزل می‌روید باید وقت زیادی را به بازی با فرزندتان اختصاص دهید و غیره. ولی اگر فرزند شما دارای خواهر یا برادری با دو سال اختلاف سن باشد نیازی نیست که شما تمام وقت خود را در منزل به این کار اختصاص دهید بلکه خواهر یا برادر او این هدف را برآورده می‌سازد. حتی از نظر هزینه باید تک فرزند خود را دائماً راضی نگه دارید و او نیز برای اینکه به خودش ثابت کند که فرزند خوبی بوده و شما او را دوست دارید همیشه از شما تقاضاهایی دارد.

زمینه های کم فرزندى و تاخير در فرزند آورى

بر مبنای تحلیل داده های موجود، زمینه های کم فرزندى را می توان به دو دسته زمینه های فردى و اجتماعى تقسیم کرد. بر مبنای مفهوم سازى محققان این پژوهش، زمینه های فردى ریشه در تعبیر و تفسیرها از پدیده فرزندآورى و رویه عملی تصمیم گیرى والد دارد و زمینه های اجتماعى، بسترهائى است که جامعه برای انتخاب ها و کنش فرد پدید مى آورد. بر این اساس می توان زمینه های کم فرزندى و تأخیر در فرزندآورى را به طریق زیر دسته بندى و ارائه کرد:

- زمینه های فردى
- دغدغه های والدین (والدمحور و فرزندمحور)
- استقلال رأى زوجین
- تلقى از مزایا و معایب فرزندآورى
- زمینه های اجتماعى
- ارزش شدن کم فرزندى
- نهادمند شدن کم فرزندى

دغدغه های والدین را میتوان به دو دسته دغدغه های فرزندمحور و والدمحور تقسیم کرد. دغدغه های فرزند محور به طور مستقیم زندگى فرزندان را تحت تأثیر قرار مى دهند و دغدغه های والدمحور اگرچه به طور

غیرمستقیم به فرزندان مربوط می شوند اما مستقیماً به زندگی والدین مربوط می شوند. زمینه های اجتماعی کم فرزندی به آن دسته از زمینه ها اطلاق می شود که تأثیر بستر اجتماعی را بر تصمیمات والدین نشان می دهد.

راه های جلوگیری از تحدید نسل

- دولت شرایط ازدواج آسان در جامعه را فراهم کند

بی تردید مساله ازدواج جوانان، مساله ای شخصی نیست که تنها خوشان مسؤول باشند، بلکه مساله ای اجتماعی است و همه مسلمانان وظیفه دارند برای ازدواج همه جوانان کوشش کنند. در این میان دولت باید کمک به ازدواج جوانان را جزو بودجه های رسمی خود قرار دهد. به راستی نباید مسائل مربوط به ازدواج و کار جوانان درست شود و جوانان در زمینه مسکن مطمئن باشند تا سبب شود، فکرشان راحت شده که اگر بچه دار شوند، مشکل ندارند.

از این رو برخی از مسائل جنبه ضروری دارند و دولت اکنون باید به این موضوعات توجه داشته باشد؛ امیدواریم در شرایط فعلی دولت این مطالبه را با مدیریت صحیح محقق سازد (شیرازی زنجانی، ۱۳۷۷، ص. ۶۱)

- مسئولیت دولت ؛ رسانه ها و مبلغان دینی در فرهنگ سازی افزایش فرزندآوری

بی شک ترویج تک فرزندی و حتی دو فرزندی شعاری نامطلوب است؛ تک فرزندی به عنوان بلایی برای خانواده های جامعه ماست، که به گفته روان شناسان، این قبیل فرزندان، خشن و پر توقع بار می آیند که در آینده هم سرکش و خشن می شوند و بعضاً برای جامعه مضر خواهند بود. لذا به هیچ وجه یک فرزندی و دو فرزندی نباید ترویج شود. بلکه همگان باید به عنوان وظیفه شرعی و وظیفه اجتماعی این مساله را مورد توجه قرار دهیم بسیاری از کشورها سیاست های تشویقی برای فرزند آوری بیشتر در پیش گرفته اند، اما بر اثر تبلیغات دشمنان در کشورهای جهان سوم، به کاهش فرزندآوری اقبال می شود لذا مساله عقیم کردن مردان و زنان پیشنهاد شد و الان بسیاری از کشورها با این مشکل مواجه هستند؛ متأسفانه ما نیز در دام آنها افتاده ایم حال برای خروج از این وضعیت باید افزایش فرزند را در دستور کار قرار دهیم، بدین نحو که هر خانواده باید حداقل سه فرزند داشته باشد. بدین نحو که باید عوامل ترغیبی فرزند آوری بیشتر تبیین شود و به مردم اعلام

شود دولت باید برای تبیین فرهنگ فرزندآوری بیشتر، برنامه ها و سیاست های مشخصی داشته باشد. فعالیت هایی که برای عقیم نمودن افراد صورت می گیرد، نوعی جنایت است که هر کس مرتکب آن شود باید تحت تعقیب قرار گیرد. دولت در این زمینه مسئول است. نقش رسانه ها در ترویج فرهنگ فرزندآوری نیز بسیار مهم است باید فرهنگ سازی کنند به ویژه رسانه ملی در این زمینه نقش تاثیر گذاری دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۴).

نتیجه

اکنون تحقیقات متعددی پیرامون نرخ باروری در جامعه صورت گرفته است. تعدادی از این تحقیقات روی مسائل اجتماعی و تعدادی روی مسائل اقتصادی تأکید دارند. قدر مسلم آنکه در هر جامعه‌ای با توجه به شرایط و ضوابط حاکم بر آن جامعه، نرخ باروری ممکن است به عوامل متعدد و متفاوتی بستگی داشته باشد. فرضیه ما در این تحقیق این است که عوامل اقتصادی نقش تعیین کننده‌ای در کاهش نرخ باروری در سال های گذشته در ایران داشته است. به این منظور با استفاده از تئوری اقتصادی رفتار مصرف کننده و قرار دادن کمیت و کیفیت فرزندان در تابع مطلوبیت و محدودیت بودجه خانواده و اینکه هدف مصرف کننده حداکثر کردن مطلوبیت خود با در نظر گرفتن محدودیت بودجه اش می باشد، به آزمون فرضیه پرداخته شده است. متأسفانه در جامعه ی امروز ایران نیز شاهد توسعه ی فرهنگ مصرف در بین خانواده ها هستیم که این امر خود منجر به بروز سایر عوامل و تغییرات نیز می شود. برای مثال، افزایش مصرف گرایی و بالا رفتن هزینه ها، به تدریج می تواند منجر به توسعه ی فردگرایی، افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق، گسترش شهرنشینی و... گردد. با توسعه ی فرهنگ مصرف در خانواده ها، طبیعتاً هزینه های زندگی بالا می رود و امکان داشتن فرزندان بیشتر فراهم نخواهد بود و این امر منجر به کاهش تعداد فرزندان خواهد شد.

فهرست منابع و مآخذ

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. آقا نظری، ح. (۱۳۹۸)، نظریه پردازی اقتصاد اسلامی
۲. جوادی املی، ع. (۱۳۹۹)، تفسیر تسنیم، انتشارات اسرا.
۳. جوادی املی، ع. (۱۳۹۹)، ادب قضا در اسلام، انتشارات اسرا.
۴. زیبایی نژاد، م. (۱۳۹۳)، تحلیلی بر مهم ترین مسائل زن و خانواده در ایران انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۵. شبیری زنجانی، م. (۱۳۷۷)، نکاح، ج ۵، مرکز فقهی امام محمد باقر ع.
۶. طریحی، ف. (۱۳۷۹)، مجمع البحرین، انتشارات مکتب المرتضویه.
۷. عمید، ح. (۱۳۹۳) فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۸. لوییس، ق. (۱۳۹۸)، خودآموز اقتصاد.
۹. معین، م. (۱۴۰۰)، انتشارات امیرکبیر.
۱۰. مکارم، ن. (۱۳۹۵)، انتشارات امام علی بن ابی طالب.
۱۱. ندا رضوی زاده، ن. (۱۳۹۸)، زمینه های کم فرزند طلبی و تاخیر در فرزند آوری.
۱۲. نیازی، م. (۱۳۹۹)، فراتحلیل عوامل اجتماعی موثر در بارداری.